

بررسی نقش حاکمیت شرکتی در بهبود گزارشگری مالی و پایداری سازمان ها

فاطمه خلیفه

دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

نام نویسنده مسئول:

فاطمه خلیفه

چکیده

کیفیت گزارشگری به میزان بیان و آشکار سازی وضعیت اقتصادی یک شرکت به وسیله گزارشات مالی و عملکرد آن در طول دوره مالی به شیوه صحیح و صادقانه اشاره دارد. حاکمیت شرکتی مجموعه ابزارهای هدایت و کنترل است که با استفاده از قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگها و سیستمها موجب دستیابی به هدفهای پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می شود. یکی از مهم ترین وظایفی که حاکمیت شرکتی می تواند بر عهده گیرد، اطمینان دهی نسبت به کیفیت فرآیند گزارشگری مالی است. حاکمیت شرکتی ضعیف منبع اصلی رفتار متقلبانه در متن شرکت هاست. هر چه حاکمیت شرکتی موثرتر باشد و باعث کاهش مشکل نمایندگی شود، از دیدگاه یک سهامدار عملکرد شرکت بهتر خواهد بود. بنابراین استقرار حاکمیت شرکتی قوی یکی از موثرترین ابزار برای ممانعت و کاهش این گونه رفتارها می باشد. استقرار ساختارهای مناسب حاکمیت شرکتی می تواند کاهش تضاد منافع مالکان و مدیران، تعامل مناسب بین آنها و بهبود کیفیت گزارشگری مالی را در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، گزارشگری مالی، پایداری سازمان، هیأت

مدیره، کمیته حسابرسی

مقدمه

بی شک یکی از مهم ترین تحولات جهان در قرن هجدهم میلادی، انقلاب صنعتی، ظهور شرکت های سهامی و تفکیک مالکیت از مدیریت بود. با پیدایش تئوری نمایندگی و جدایی ناگزیر مالکیت از مدیریت، ضرورت توجه به مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر پیشگیری از تقلب و عوامل بازدارنده از خطر وقوع آن با هدف گزارشگری مالی مطلوب شرکت ها مطابق با شاخص های حاکمیت شرکتی و سیاست های کلی اقتصادی کشور یعنی شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در بازار سرمایه و ... را فراهم نموده است. یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم ها، سودمند باشد [۱]. سرمایه گذاران با توجه به اطلاعات منتشر شده بوسیله مدیران نسبت به امورات سرمایه گذاریها نشان تصمیم گیری می کنند همچنین لازمه تصمیم گیری درست، اطلاعات قابل اتکا می باشد به طوری که هرچه اطلاعات قابل اتکا تر باشد تصمیمات بهتری اتخاذ می گردد. از طرفی تضاد منافع که منجر به مشکل مشهوری به نام مشکل نمایندگی شده است یکی از موانع اصلی انتشار اطلاعات قابل اتکا می باشد. یکی از مهمترین راهکارهایی که برای حل مشکلات فوق در سالهای اخیر مورد توجه قانونگذاران، ذینفعان، دولت، محققان و سایرین شده است حاکمیت شرکتی می باشد. بررسی علل و آسیب شناسی فروپاشی برخی از شرکت های بزرگ که زبان های کلانی به ویژه برای سهامداران داشته است مشخص نمود ناشی از ضعف سیستم های حاکمیت شرکتی آنان بوده است [۲]. رابطه تئوریک بین حاکمیت شرکتی و بحران های مالی ریشه در سوابق ادبی تئوری سازمانی دارد، که از آن چنین استنباط می شود که، سازمانها اغلب زمانی اقدام به تغییر حاکمیت شرکتی و ساختار هیأت مدیره می کنند که روند نزولی دارند و یا با بحران مالی مواجه هستند. باور بر این است که هیأت مدیره نقش عمده ای در حاکمیت شرکتی به ویژه در نظارت بر عملکرد مدیریت سطوح بالا دارد [۳]. بهبود ساختار هیأت مدیره به عنوان یکی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی، از طریق همسو نمودن منافع مدیران و سهامداران، به سرمایه گذاران کمک نموده و قابلیت اتکای اطلاعات مالی، و همگرایی فرایند گزارشگری مالی را تقویت می نماید [۴]. سقوط چشمگیر شرکت های غول آسا مانند ورلد کام، انرون و گلوبال کراسینگ نیز به علت وقوع تقلب در صورتهای مالی بوده است و این موارد تقلب، اعتماد نسبت به بازارهای مالی، اطلاعات مالی و همچنین حرفه ی حسابداری را در سراسر جهان از بین برده است. شکست این شرکت ها، در ذهن سهامداران مختلف نسبت به اعتبار گزارش های مالی و قابلیت اطمینان آنها شک و تردید ایجاد کرده است. بنابراین می توان استدلال کرد که مکانیزم های فعلی حاکمیت شرکتی به اندازه ی کافی بازدارنده نیستند [۵]. بنابراین استدلال می شود که، ساختار حاکمیت شرکتی قوی می تواند تأثیر مثبتی در کاهش بروز چنین تقلب هایی داشته باشد. اثر بخشی ساختار حاکمیت شرکتی، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهد و در افزایش اعتبار گزارشگری مالی اهمیت دارد [۶].

۱. حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی مجموعه ای از قوانین و روش هاست که رابطه ی بین سهامداران، مدیریت و اعضای هیئت مدیره را تعریف می کند و بر چگونگی عملکرد شرکت تأثیر می گذارد. حاکمیت شرکتی در سطح ابتدایی با مسائلی مواجه است که از تفکیک مالکیت و اداره ی شرکت ناشی می شود، اما این مفهوم فراتر از آن است که فقط رابطه ای شفاف بین مدیران و سهامداران برقرار کند. حاکمیت شرکتی، شامل مجموعه ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیئت مدیره، سهامداران و ذی نفعان دیگر است. علاوه بر آن، ساختاری ارائه می کند که از طریق آن، اهداف شرکت، ابزار دستیابی به آن، اهداف و نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می شود. کنترل و راهبری شرکت ها به دو طریق صورت می گیرد: راهبری از «درون» شرکت و کنترل از «بیرون» آن. در هر کدام از این دو حالت، موارد مهمی وجود دارد که باید در نظر گرفته شود.

۱-۱. راهبری از درون شرکت

- این کار توسط مدیران و هیئت مدیره «درون» شرکت انجام می شود. برای یک راهبری مؤثر باید موارد زیر بررسی شوند:
- تعیین ساختار وظایف افرادی که خط مشی شرکت را تعیین می کنند (شامل مدیرعامل و هیئت مدیره)
- نیاز به نظارت بر اتفاقات پیش بینی نشده ی مهم از طریق تجزیه و تحلیل ریسک ها
- نیاز به کنترل عملکرد (کنترل داخلی)

۱-۲. کنترل از بیرون شرکت

- آگاهی داشتن از چارچوبی که دستورالعمل های عملکرد، انطباق و اساسنامه ی حقوقی (قانونی) در آن تعریف شده است.
- داشتن دیدگاهی گسترده از موقعیت شرکت ها در جهان از طریق مسئولیت های اجتماعی و تصمیمات اخلاقی.

۲. اهداف حاکمیت شرکتی

دلیل اساسی استفاده از حاکمیت شرکتی، نظارت بر بخشی از شرکت است که کنترل دارایی سهامداران و سرمایه گذاران را برعهده دارد. این کار تضمین می کند که:

- موازنه ی قدرت به طور مناسب بین اعضای هیئت مدیره توزیع شود.
 - به مدیران اجرایی به طور عادلانه پاداش یا امتیاز تعلق گیرد.
 - هیئت مدیره مسئولیت نظارت بر مدیران اجرایی و مدیریت ریسک ها را بپذیرند.
 - ناظران بیرونی مستقل باشند و شرکت تحت تأثیر عملکرد آنها نباشد.
 - به مسائلی مانند رعایت اخلاق کسب و کار، مسئولیت اجتماعی شرکت و حمایت از افشاگران فسادهای مالی رسیدگی شود.
- اما هدف اصلی حاکمیت شرکتی، بهبود عملکرد شرکت ها، ایجاد شفافیت و پاسخگویی هیئت مدیره در برابر ارزش ذی نفعان و سهامداران است.

۳. مزایای حاکمیت شرکتی

۳-۱. مزایایی که برای شرکت ها دارد

- موافقت با اصول حاکمیت شرکتی می تواند مزایایی هم برای صاحبان و هم برای مدیران شرکت ها داشته باشد و سطح شفافیت سازمانی را افزایش دهد. از مزایای دیگر آن می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- بهبود دسترسی به بازارهای سرمایه و بازارهای مالی.
 - کمک به باقی ماندن در محیط به شدت رقابتی (از طریق ادغام، مالکیت، مشارکت و کاهش ریسک).
 - فراهم کردن سیاست خروج و اطمینان یافتن از انتقال بی دردسر ثروت و دارایی های خانوادگی از یک نسل به نسل دیگر، همچنین کاهش احتمال وقوع تعارض بر سر عایدی ها (برای سرمایه گذاران بسیار مهم است).
 - همچنین اتخاذ روش های کارآمد حاکمیت شرکتی سبب می شود کنترل داخلی شرکت ها بهتر انجام شود، بهره وری شرکت افزایش یابد و راه را برای امکان رشد شرکت ها، توانایی جذب سرمایه گذاران (در سطح ملی و خارج از کشور) و نیز کاهش هزینه های ناشی از وام یا بدهی شرکت ها هموار کند.
 - از سوی دیگر، بسیاری از کسب و کارهایی که به دنبال سرمایه و منابع جدید هستند، اغلب در مواقع بحرانی خود را مجبور می بینند که به طور جدی «حاکمیت شرکتی» را بپذیرند و ساختار شرکت شان را مجدد و براین اساس تشکیل بدهند. هنگامی که بنیان گذاران خود را در نقش سرمایه گذار و شرکای بالقوه می بینند اطمینان بیشتری برای سرمایه گذاری و گسترش عملکرد شرکت خواهند داشت.

۳-۲. مزایایی که برای سهامداران دارد

- برای مزایای حاکمیت شرکتی کارآمد برای سهامداران، به موارد زیر می توان اشاره کرد:
- فراهم کردن انگیزه های مناسب برای مدیریت و هیئت مدیره به منظور پیگیری اهدافی در راستای منافع شرکت
 - تسهیل فرایند نظارت مؤثر بر مدیران
 - تضمین امنیت بیشتر به سهامداران در مورد سرمایه شان
 - اطمینان دادن به سهامداران از اینکه به اندازه ی کافی از تصمیمات مربوط به مسائل اساسی شرکت (مانند اصلاحات قانونی یا قوانین مربوط به ادغام، فروش دارایی ها و نظایر آن) آگاه خواهند شد.

۳-۳. مزایایی که برای اقتصاد ملی دارد

- همه ی شواهد تجربی و همچنین تحقیقاتی که در سال های اخیر انجام شده اند، حاکمیت شرکتی را تأیید می کنند. این پژوهش ها دریافته اند بیش از ۸۴٪ سرمایه گذاران سازمانی جهان حاضرند برای سهام یک شرکت با حاکمیت شرکتی خوب پول زیادی پرداخت کنند، اما در شرکتی که از لحاظ حاکمیت شرکتی ضعیف عمل می کند (با وجود سابقه ی مالی خوب)، سرمایه گذاری نکنند.
- موافقت با اصول حاکمیت شرکتی می تواند نقش مهمی در ارتقای ارزش شرکت ها بازی کند. اگر در یک کشور اعتبار لازم برای اجرای شیوه های حاکمیت شرکتی وجود نداشته باشد، در حسابرسی و استانداردهای گزارش دهی سهل انگاری شود یا به سرمایه گذاران شفافیت و اعتماد کافی داده نشود، سرمایه (سرمایه گذاران داخلی یا خارجی) در جایی خارج از کشور جریان خواهد یافت. بنابراین عواقب این وضعیت، تمام شرکت ها و تشکیلات اقتصادی کشور را درگیر خواهد کرد.

۴. ثقلب و حاکمیت شرکتی

افزایش رو به رشد ثقلب شرکت ها نشان دهنده بی اثر بودن مکانیسم های پیشگیرانه از ثقلب است که توسط سازمان ها استفاده می شود. در بسیاری از ثقلبات اخیر شرکت های بزرگ ، شکست ساختار حاکمیت شرکتی علت اصلی بیان شده است، که خود یکی از ابزارهای پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه است [۵]. بنابراین استدلال می شود که ، ساختار حاکمیت شرکتی قوی می تواند تأثیر مثبتی در کاهش بروز چنین ثقلب هایی داشته باشد [۷].

افزایش توجه به مسئله ثقلب در سال های اخیر نشان دهنده رشد سطح آگاهی افراد از اثرات زیان بار ثقلب به خصوص در جریان جهانی شدن اقتصاد و تجارت است. مشخصه های ساختاری شرکت می تواند زمینه ارتکاب ثقلب را افزایش دهد. تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت زمینه ساز فساد مالی است. به علاوه تخصیص وظایف و مسئولیت ها به مدیران می تواند دروازه ارتکاب ثقلب را باز کند. در چنین شرایطی ، نقش هیأت مدیره به عنوان ناظر و کنترل کننده عملکرد مدیران اجرایی کاملاً واضح است. هنگامی که مدیریت ، قدرت اجرایی و اختیارات نامحدود و در نتیجه این امکان را داشته باشد که تصمیمات سرمایه گذاری ، عملیاتی و اعطای پاداش را به تنهایی و به صورت مستقل اتخاذ نماید، نشان دهنده وجود ضعف در ساختارهای حاکمیت شرکتی است.

اگر ترکیب هیأت مدیره ، وظیفه دوگانه مدیر عامل و ترکیب کمیته حسابرسی را به عنوان عوامل اصلی حاکمیت شرکتی در نظر بگیریم با تشریح آنها به خوبی مشخص می شود که نظام حاکمیت شرکتی موثر می تواند احتمال ارتکاب ثقلب را تا حد زیادی کاهش دهد.

۴-۱. نقش هیأت مدیره در حاکمیت شرکتی

هیأت مدیره ها یکی از ارکان حاکمیت در شرکت های امروزی به شمار می روند که اغلب از آن ها به عنوان اهرم اجرایی اصول حاکمیتی شرکت و مسوول نظارت و سیاست گذاری در شرکت ها یاد می شود. اعضای هیأت مدیره اغلب توسط مالکان سهام انتخاب می شوند ، در حالی که در برخی سیستم های حاکمیتی نوین ، مجموعه نظرات کارکنان ، نهادهای دولتی ، سرمایه گذاران و عرضه کنندگان نیز در انتخاب آنان تأثیر گذار است . هیأت مدیره ها غالباً گروهی از افرادند که حق نظارت ، کنترل ، سیاست گذاری های کلان و حاکمیت بر یک شرکت خاص را در اختیار دارند. این مجموعه از افراد (در قالب یک تیم کاری اثربخش) باید سلامت شرکتی را در حوزه های متنوعی همچون عملکرد مالی مناسب شرکت ، قانونی بودن فعالیت ها ، تناسب فرآیندها و اقدامات صورت پذیرفته شرکت با اهداف رهبری شرکت ، تضمین کنند. هیأت مدیره شرکت، قلب آن محسوب میشود ، پس باید همواره سالم و شاداب باشد و خوب تغذیه شود.

-جلسات هیات مدیره باید به صورت منظم برگزار شود

-در هیات مدیره، باید توازن قوای مطلوبی برقرار باشد

- نباید اجازه داده شود که شخص خاص، بر جلسات هیات مدیره و فرآیند تصمیم گیری در آن مسلط شود

-اعضای هیات مدیره باید با بلندنظری، به پیشنهادهای اعضای دیگر توجه کنند

- اطمینان متقابل در بین اعضای هیات مدیره، باید در سطح بالایی قرار داشته باشد

- اعضای هیات مدیره باید دارای صفات عالی اخلاقی و درجه والایی از درستکاری، راستی و امانتداری باشند

اعضای غیرموظف با احتمال بیشتری ، به منظور حمایت از منافع سهامداران ، فعالیت های مدیریت را ارزیابی و کنترل می کنند بنابراین باعث کاهش هزینه های نمایندگی و پیشگیری از ثقلب می شوند. بدین ترتیب، هیات مدیره شرکت با دارا بودن تخصص ، استقلال و قدرت قانونی لازم ، یک سازوکار بالقوه توانمند حاکمیت شرکتی به حساب می آید.

۴-۲. وظیفه دوگانه مدیر عامل

اگر مدیر عامل به طور همزمان رییس هیأت مدیره هم باشد نمی تواند وظایف نظارتی خود را بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود انجام دهد ، بنابراین زمانی که این دو وظیفه بر عهده یک نفر قرار دارد احتمال ارتکاب افزایش می یابد.

۴-۳. ترکیب کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی است و کفایت سیستم های کنترل مالی را مورد آزمون قرار می دهد. بنابراین کمیته حسابرسی ابزاری برای کاهش هزینه های نمایندگی است. استقلال بالای کمیته حسابرسی احتمال ثقلب را کاهش می دهد. این استقلال بالا به معنای نسبت بالای مدیران غیرموظف در این کمیته است

رعایت اصول حاکمیت شرکتی در وهله اول به وسیله تدوین قوانین قدرتمند، منطقی و پایدار، بازارهای مالی مناسب و شفاف و عزم هیأت مدیره و مدیران در اجرای آن وابسته خواهد بود. اصولاً تاریخ گذشته بیانگر این موضوع است که بروز شکست های مالی و کشف ثقلبات بزرگ در

کشورهای مختلف باعث تدوین و تنظیم قوانین و مقررات سختگیرانه بر علیه شرکت ها شده است. افزایش قانونگذاری موجبات پیدایش مراجع نظارتی، تدوین و تنظیم استانداردهای جدید حسابداری و حسابرسی شده است.

۵. نقش سهامداران در حاکمیت شرکتی

بررسی ها نشان می دهد که هر کشور سیستم حاکمیت شرکتی منحصر به خود را دارد. شاید بتوان چنین گفت که به اندازه کشورهای دنیا سیستم حاکمیت شرکتی وجود دارد. سیستم حاکمیت موجود در یک کشور با عوامل داخلی از جمله ساختار مالکیت شرکت ها، وضعیت اقتصادی، سیستم نظارتی و قانونی، سیاست های دولتی و فرهنگ سازمانی مشخص می شود. همچنین عوامل خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصاد جهانی، عرضه سهام در بازار سایر کشورها بر سیستم حاکمیت شرکتی موجود تاثیرگذار است. اصولاً روابط بین سهامداران، هیات مدیره، مدیرعامل و حسابرسان در قوانین هر کشور و سپس در چارچوب وظایف حاکمیت شرکتی توسط مجامع و هیات مدیره ترسیم می شود. بنابراین، در صورت تبیین اصول حاکمیت شرکتی توسط سهامداران یا هیات مدیره، ضمانت اجرایی این آیین نامه ها تنها به قدرت قانون وابسته نخواهد بود. سهامداران می توانند در اجرای اصول حاکمیت شرکتی و پایبندی سازمان های خود به این اصول موثر واقع شوند و در غیاب بسترهای قانونی با مطالبه جدی خود از مدیران آن را شکل دهند.

نتیجه گیری

حکمرانی و مدیریت خوب در یک شرکت عامل مهمی در فرآیند توسعه پایداری سازمان ها و به تبع آن جامعه است و این امر نه تنها در خصوص شرکت های خصوصی، بلکه برای کل اقتصاد جامعه موثر است. بنابراین پیشنهاد می شود در مکانیزم های مشخص شده در آیین نامه نظام راهبری شرکت ها به خصوصیات مدیران غیرموظف نیز توجه شود. سازوکارهای حاکمیت می تواند به منظور بررسی کیفیت گزارشگری مالی، برای مثال میزان گرایش شرکت به مدیریت سود یا تقلب در صورت های مالی، مورد استفاده قرار بگیرد. حاکمیت شرکتی مناسب موجب افزایش کارایی و ارزش بازار شرکت ها می شود و به نظر می رسد به کارگیری برخی مکانیزم های حاکمیت شرکتی در شرایط کنونی بازار سرمایه ایران موجب حمایت بیشتر از سهامداران خرد می شود. در پیشبرد اهداف حاکمیت شرکتی عوامل مهمی تاثیر گذار هستند که در این میان نقش هیات مدیره و کارکردهای کمیته های اصلی هیات مدیره بارز و غیرقابل انکار است. همچنین پژوهش های گذشته نشان می دهند که حاکمیت شرکتی خوب ریسک تقلب را کاهش می دهد. علاوه بر این سازوکارهای حاکمیت شرکتی مشکلات نمایندگی را کنترل می کنند و در نتیجه این اطمینان حاصل می شود که مدیران در جهت منافع سهامداران فعالیت می نمایند. در سال های اخیر حاکمیت شرکتی به عنوان یک راهکار موثر در افزایش کیفیت گزارشگری مالی مطرح شده است و نتایج تحقیقات تجربی مختلف نشان می دهد که یک حاکمیت شرکتی مطلوب منجر به افزایش کیفیت سود می شود. مطالعات علمی نیز نشان می دهند که میان حاکمیت شرکتی ضعیف و کنترل نازل گزارشگری مالی، تحریف سود، وجود تقلب در صورتهای مالی، و ضعف کنترل های داخلی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج مزبور به نظر می رسد که باید از طریق اقداماتی از قبیل انجام اصلاحاتی به منظور افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی، ارتقای سطح مسئولیت پاسخ گویی هیات مدیره و مدیران شرکت به منظور اطمینان از ارائه ی صادقانه ی گزارش های مالی و گسترش پژوهش های انجام شده در زمینه حاکمیت شرکتی، تأکید بیشتری در زمینه بهبود آثار حاکمیت شرکتی بر فرایند گزارشگری مالی صورت گیرد [۸].

منابع و مراجع

- [۱] سپاسی، سحر و حسنی، حسن. (۱۳۹۵)، رابطه باورهای معنوی مدیران با رفتار مدیریت سود، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال اول، شماره ۲، صص ۱۷-۴۰.
- [۲] شورورزی، محمدرضا؛ خلیلی، محسن؛ سلیمانی، حمید؛ فروتن، امید. (۱۳۹۴)، ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۵۲، صص ۱۳۹-۱۲۱
- [۳] پورزمانی زهرا (۱۳۸۶)، حاکمیت شرکتی و پیش بینی ورشکستگی شرکت ها، پایان نامه دکتری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- [۴] صدیقی روح اله، (۱۳۹۲)، ارتباط ساختار هیات مدیره با محتوای اطلاعاتی سود حسابداری، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، ۳۷، ۹۹-۱۲۵.
- [5] Asyiqin W A. (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 145: 243 – 253.
- [6] Razali, W. A. A. W. M., and R. Arshad. 2014. Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 145: 243 - 253.
- [7] Law P. (2011). Corporate governance and no fraud occurrence in organisations Hong Kong evidence. *Managerial Auditing Journal*, 6: 501-518.
- [۸] حساس یگانه یحیی، باغومیان رافیک، (۱۳۸۴)، نقش هیات مدیره در حاکمیت شرکتی. ماهنامه حسابداری، سال بیستم، ۱۷۳، ۳۰-۴۱.